



مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران حوزه بانکداری اسلامی

به موازات برگزاری سی و دومین همایش بانکداری اسلامی با موضوع نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی؛ مبانی نظری، تجارب جهانی و توصیه‌های سیاستی، مصاحبه‌هایی همسو با محورهای همایش با برخی از کارشناسان و صاحب نظران حوزه بانکداری اسلامی به عمل آمد. در این راستا همراه می‌شویم با جناب آقای دکتر یاسر مرادی، رئیس محترم هیأت‌مدیره بانک صادرات و مدرس دانشگاه. آقای دکتر سلام علیکم، ضمن تشکر از جناب عالی، بابت حضور در این مصاحبه تخصصی، از اینکه با ارایه نظرهای عالمانه خویش نسبت به سوالات مربوط به محورهای همایش بانکداری اسلامی، ارایه نظر فرموده و با ما همراه هستید، بسیار سپاس گزاریم.

سؤال اول: از نظر جناب عالی، زیرساخت‌های لازم برای ارتقای نظارت بانکی مؤثر کدام هست و چگونه می‌توان از طریق سامانه‌های موجود، نظارت بانکی را به‌طور مؤثر انجام داد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت شما عارضم که بحث اینکه شبکه‌ی بانکی باید بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا و بر اساس ضوابطی که در قانون پولی و بانکی آمده (تحت نظر بانک مرکزی، به‌عنوان مقام سیاستگذار و ناظر) فعالیت کند، امر مهمی است که متأسفانه به‌دلیل رقابتی بودن فضای بانکی، همواره در طول سالیان اخیر مغفول مانده است. در عین حال، اگر با دقت نگاه کنیم، بانک مرکزی، عده و عده‌ی کافی را برای نظارت میدانی ندارد. اشکال دیگر این است که وقتی بانک مرکزی نمی‌تواند نظارت میدانی انجام بدهد، به‌سمت نظارت بخشنامه‌ای می‌رود و می‌کوشد با صدور بخشنامه‌های متعدد، این نقش نظارتی خود را ایفا کند. صدور بخشنامه‌های متعدد هم در عمل با این قضیه مواجه می‌شود که حتی اگر برخی از بانک‌ها بخواهند این بخشنامه‌ها را عملیاتی کنند، در شعب بانک‌ها اتفاق دیگری می‌افتد و باز آن جنگ منافی که وجود دارد و تلاش برای جذب منابع بیشتر بانکی و سودآوری بیشتر، باعث بروز برخی تخلفات می‌شود. پس، بهتر است به‌جای نظارت پسینی، به‌نظارت پیشینی روی بیاوریم و به‌جای نظارت بخشنامه‌ای، به‌نظارت سیستمی روی بیاوریم. برای حل این مشکل، پس از سال‌ها بررسی و تحقیق و کارهای کارشناسی که در این زمینه صورت گرفته، نهایتاً به‌این آسیب‌شناسی رسیدیم که اگر سامانه‌های بانک مرکزی در حوزه‌ی تسهیلات و تعهدات به‌نحوی عمل کند که در زمان اعطای تسهیلات، کلیه‌ی ضوابط بانک مرکزی (که تخلف از آن‌ها در قرارداد برای طرفین قرارداد امکانپذیر نیست)، به‌صورت پیشینی در قراردادها کنترل شود و اگر موردی در قرارداد

فی مابین بانک و مشتری بر خلاف ضوابط بانک مرکزی باشد، اصلاً سامانه اجازہ‌ی ثبت چنین قراردادی را ندهد، آنگاه با نظارت پیشینی، امکان وقوع تخلفات را بیش از ۹۰ درصد کاهش خواهیم داد. با همین نگاه، در قانونی که اخیراً در مجلس شورای اسلامی تصویب و ابلاغ شد، سامانه‌ای طراحی شده که بانک مرکزی بر اساس آن مکلف است تا آیین‌نامه‌ی مربوط را بنویسد. و بانک‌ها نیز با اجرایی کردن این سامانه، مکانیزمی را طراحی کنند که کلیه‌ی قراردادهای بانکی به‌صورت سیستمی و برخط بشود. همچنین، در زمینه‌ی نرخ سود تسهیلات، نوع وثایق، یا اساساً نوع عقد قرارداد، زیرشاخه‌ای که می‌خواهیم با آن تسهیلات بدهیم، موضوع قرارداد، کارشناسی‌هایی که صورت می‌گیرد، جرایم و دیرکرده‌ها، وجه التزام قرارداد، تأکیدی که بانک به‌عنوان ضمانت قرارداد می‌گیرد و حتی وصول مطالبات بانک، همه‌ی این‌ها در این سامانه تعریف شود و هر جا که بانک بخواهد از این ضوابط بانک مرکزی تخطی کند، سامانه خطا بدهد و امکان پیشبرد ادامه‌ی مسیر وجود نداشته باشد. طراحی این سامانه‌ها در دست اقدام است و به‌امید خدا، اگر بزودی این اتفاقات بیفتد، مطمئنیم که کمترین تخلفات را شاهد خواهیم بود.

سؤال دوم: از نظر جناب عالی، چه آسیب‌هایی بر شیوه‌های فعلی نظارت و تطبیق وجود دارد که باعث شده این نظارت بر روند تطبیق عملاً مؤثر و کارآمد نباشد؟

در این حوزه، غیر از توضیحاتی که در بخش اول دادم، یعنی بحث نظارت و اینکه نظارت باید به‌صورت پیشینی اتفاق بیفتد و سامانه‌محور اتفاق بیفتد، نکته‌ی دوم این است که حالا با وضعیت فعلی تا زمانی که زیرساخت‌ها برای الکترونیکی کردن نظارت پیشینی اتفاق می‌افتد، بررسی کنیم و ببینیم که آسیب‌های وضعیت فعلی چیست. در این زمینه، بانک مرکزی الزاماتی را به‌عنوان «الزامات حاکمیت شرکتی» ابلاغ کرده و بانک‌ها را مکلف کرده که با وجود کمیته‌هایی از قبیل کمیته‌ی ریسک و تطبیق و حتی حضور یک ناظر شرعی در کمیته‌ی تطبیق، رعایت ضوابط اسلامی و رعایت قواعد بانکداری اسلامی را در آن بانک نظارت کنند. اما به‌نظر می‌رسد با وجود اینکه ایجاد کمیته‌های مزبور در دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی آمده و ابلاغ شده، اما ضمانت اجرایی لازم را برای عملیاتی شدن مصوبات این کمیته‌ها در نظر نگرفتیم. در عین حال، اگر کمیته‌ای به‌این نتیجه برسد که در بانکی، تخلف انجام می‌شود (هرچند مسئولیت این امر با هیأت‌مدیره است)، بانک مرکزی باید با ورود قاطع‌تر بر کلیه‌ی مصوبات این کمیته‌ها و اینکه اختیار قانونی لازم را به‌آن‌ها بدهد، بتواند فرایند کار را عملیاتی کند و این اشکالاتی که وجود دارد را در کمیته‌های تطبیق، به‌آنها رسیدگی نماید تا منجر به اتفاقات میمونی برای رفع تخلفات موجود شود. در واقع، الآن تنها اهرم و ابزار بانک مرکزی برای اعمال فشار بر بانک‌ها، هیأت انتظامی تخلفات است که مدیران بانکی در یک سطحی در صورت وقوع تخلف در آنجا بازخواست می‌شوند. به‌نظر می‌رسد که علاوه بر این موضوع که ممکن است سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران را در پی داشته باشد، باید اهرم‌های نظارتی کافی دیگری در اختیار بانک مرکزی قرار بدهیم تا بتواند پیش از اینکه کار به‌آنجا بکشد، با نظارت‌های لازم، مانع این امر بشود. پس، به‌نظر می‌رسد که افزایش اختیارات بانک مرکزی برای نظارت بر بانک‌ها و دادن ضمانت اجرایی کافی در صورت احراز تخلف از سوی هر یک از بانک‌ها، می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

سؤال سوم: با توجه به اینکه موضوع سی و دومین همایش بانکداری اسلامی در حوزه‌ی راهکارها و رویکردهاست، از نظر شما چه راهکارها و رویکردهایی برای افزایش تأثیرگذاری نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی وجود دارد؟

تجربه‌ی قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌ما نشان داد که اگر بخواهیم از بحث بانکداری بدون ربا به‌سمت بانکداری اسلامی تمایل پیدا نکنیم و خودمان را ارتقا ندهیم، با صرف بدون ربا کردن عملیات بانکی راه به‌جایی نمی‌بریم و تجربه‌ی بیش از ۳۰ ساله‌ی این قانون نیز این موضوع را ثابت کرده است. در واقع، از سال ۶۳-۶۲ که این قانون عملیاتی شده، امروز مشاهده می‌کنیم که مردم رضایت چندانی از شیوه‌ی بانکداری اسلامی ندارند و مراجع نیز کماکان اعتراضاتی را نسبت به‌وضع موجود دارند. در عین حال، هنوز آثاری را که باعث گردش بخش واقعی اقتصاد به‌شکل مهم‌ترین ثمره‌ی بانکداری اسلامی است، احساس نمی‌کنیم و علت این موضوع را می‌شود در دو مسئله جست‌وجو کرد. نخست، عدم‌فرهنگ‌سازی مناسب در میان کارکنان بانک‌هاست. کارکنان شبکه‌ی بانکی و مدیران بانکی ما هنوز به‌این اعتقاد راسخ نرسیدند که اگر بانکداری را به‌صورت اسلامی عملیاتی کنند، نه تنها از وقوع ربا در عملیات بانکی جلوگیری می‌کنند، بلکه اگر بر قواعدی اصرار داشته باشند که بر عادلانه بودن ضوابط و اخلاق‌محور بودن بانکداری ما و توزیع عادلانه ثروت تأکید دارد، قطعاً آثار پُربرکت بسیاری در پی خواهد داشت و ضمناً، موجب چرخش و گردش بخش اقتصاد نیز خواهد شد. این عزم و اراده در جزء‌جزء شبکه‌ی بانکی نفوذ نکرده و وجود ندارد. ضمن اینکه، فرهنگ‌سازی و آموزش لازم نیز به‌مشتریان بانک‌ها ارایه نشده است. در حال حاضر، وقتی یک مشتری می‌خواهد تسهیلاتی بگیرد، نمی‌داند که فرق عقد مضاربه با مشارکت با مرابحه یا با جعاله چیست و در واقع، همه‌ی این عقود را به‌چشم دریافت وام نگاه می‌کند و دیدگاه تسهیلاتی ندارد. پس مشتریان بانک‌ها نیز باید هم تمایز بین عقود را بفهمند، هم اینکه واقعا در این زمینه قصد کنند. ما در قواعد فقهی خودمان داریم: *العقود تابعه للقصود*. تا زمانی که برای تحقق عملیات بانکی بدون ربا قصد ایجاد نشود، راه به‌جایی نخواهیم برد و به‌هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید. پس، لازمه‌ی آن، فرهنگ‌سازی و آموزش، هم برای مشتریان و هم برای بدنه‌ی شبکه‌ی بانکی است.

به‌عنوان سخن پایانی، اگر مطلب یا نکته‌ای مرتبط با موضوع همایش مد نظر دارید، لطفاً مطرح فرمایید.

بنده از شما و همکاران محترمتان در مؤسسه‌ی عالی آموزش بانکداری و شرکت‌کنندگان عزیز خیلی تشکر می‌کنم. به‌نظر می‌رسد عنوان همایش امسال بسیار هوشمندانه انتخاب شده و می‌تواند واقعاً این عزم جدی را در مدیران شبکه‌ی بانکی به‌وجود آورد که با تطبیق و نظارت شرعی و نظارت دقیق، بتوانند هم مشکلات شرعی را مرتفع کنند، هم بر مصرف تسهیلات در موضوع تعریف‌شده، نظارت کنند. به‌نحوی که اگر واقعاً تسهیلات در همان عقد و موضوعی که تعریف شده، به‌مصرف برسد، بخش واقعی اقتصاد به‌تحرك درمی‌آید و از ایجاد بازارهای سوداگرانه و خلق پول بی‌مورد که در زمینه‌ی تولید نباشد، جلوگیری می‌کند که آثار مبارک و پُربرکتی را برای نظام بانکداری ما در پی خواهد داشت. امیدوارم که همایش امسال در این زمینه موفقیت‌های چشمگیری به‌دست بیاورد.